

# فرب تاکتیکی و غافلگیری راهبردی در عملیات‌های القاعده<sup>۱</sup> (قسمت اول)

ترجمه: لیلا امیرخانی فراهانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۷/۲۸

کلیدواژه‌ها: القاعده، سازمانهای تروریستی، آمریکا، مسلمانان

## مقدمه

دولبه علیه اهداف استکباری آمریکا نیز بکار گرفته شد به نحوی که در عملیات مختلف از جمله عملیات ۱۱ سپتامبر، برج‌های سازمان تجارت جهانی (دوقلو) را مورد هدف قرار داد که هنوز هم علل و عوامل اصلی و نهفته آن بر جهانیان نامعلوم مانده است. در ادامه، القاعده در نقاط دیگر جهان از جمله افغانستان، پاکستان، آمریکا و حتی کشورهای اروپایی دارای پایگاه‌های قدرتمندی گردید و هر روز چهره‌ای نامناسب و بدور از ارزش‌های متعالی دین مبین اسلام برای جهانیان ترسیم می‌کند.

در همین راستا و در جهت آشنایی هر چه بیشتر با علل و عوامل اصلی تشکیل هسته‌های عملیاتی القاعده، شناخت گرایش‌های اعتقادی و افراطی ایشان، ساختار و روابط سازمانی و همچنین پایگاه‌های آموزشی سرکردگان این سازمان، بر آن شدیم تا سندی را ترجمه و ارایه نماییم؛ هر چند در جای‌جای این سند، القادات تفکرات دشمنان اسلام از سوی نویسندگان آن دیده می‌شود؛ امید است نوشتار حاضر مفیدفایده واقع شده و بتواند شناخت بهتری از عملکرد گروه القاعده و نوع تفکرات اعتقادی آن و همچنین تعیین نقش کشورهای استعمارگر در تشکیل این گروه را به دنبال داشته باشد. صحت و سقم مطالب، نیاز به کنکاش بیشتر داشته و نظرات منعکس شده در مقاله صرفاً متعلق به نویسندگان آن می‌باشد.

این نوشتار در دو بخش تقدیم خواهد شد؛ در بخش اول به

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحت هدایت و رهبری داهیانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره)، موج اسلام‌خواهی در جهان از کشورهای اسلامی گرفته تا کشورهای غیراسلامی روز به روز گسترش یافت تا جایی که وحشت کشورهای استعمارگر به خصوص آمریکا را بیش از پیش برانگیخت. رویکردهای متعالی اسلام با عنایت به تفکرات نوین انقلاب اسلامی، در عمق کشورهای اروپایی و غربی به خصوص آمریکا نفوذ نمود تا جایی که تلاش نمودند چهره دیگری از اسلام و به دور از واقعیت جهت جلوگیری از توسعه و گسترش اسلام ناب محمدی ترسیم نمایند. در همین راستا تشکیل گروه‌های تروریستی و افراطی و حمایت‌های پشت پرده از اقدامات به ظاهر اسلامی و غیر بشر دوستانه این گروه‌ها به خصوص سازمان تروریستی القاعده (طالبان) به عنوان بخشی از سناریوی طراحی شده آمریکا و صهیونیست‌ها علیه اسلام می‌باشد. این گروه افراطی که هسته‌های اولیه آن در آمریکا شکل گرفته و گرایش‌های اعتقادی آن به دور از تفکرات اصیل اسلامی و شیعی می‌باشد، با حمایت‌های پشت پرده کشورهای مستکبر به مرور دارای ساختار قدرتمند گردید و به سان تیغی

## 1- TACTICAL DECEPTION AND STRATEGIC SURPRISE IN AL-QA'IDA'S OPERATIONS

نویسندگان: Richard H. Shultz, Jr. and Ruth Margolies Beitler

۲- کارشناس ارشد زبان انگلیسی

تفاوت‌های عملیاتی القاعده از کدامیک از تجارب گذشته و فناوری‌های نوین می‌توان استفاده نمود؟

در دهه ۱۹۸۰، متخصصان امور اطلاعاتی فرضیه‌ای را در مورد ضد اطلاعات مطرح نمودند که محوریت آن را رژیم‌هایی تشکیل می‌دادند که دغدغه اصلی‌شان، «دشمنان داخلی و خارجی، امنیت، و ریشه‌کنی تهدیدات واقعی و فرضی» محسوب می‌شد. این مفهوم، منجر به شکل‌گیری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی برای جنگ با این دشمنان شد [۲]. یکی از ویژگی‌های این دولت‌ها، اعتقاد آنها به بازگشت منجی است و از این رو معتقدند که با نابودی کلیه بدی‌ها و فسادها می‌توانند تغییر بنیادین ایجاد نموده و روش نوینی از زندگی را طراحی کنند [۳]. نمونه کامل و عینی اینگونه دولت‌ها، دولت ضد اطلاعاتی اتحاد جماهیر شوروی سابق بود [۴]. با نگاهی به روش‌های اتخاذ شده القاعده در دهه گذشته، درمی‌یابیم که این سازمان بخش اعظم ویژگیها و عقاید اصلی خود را از این مدعیان ضد جاسوسی الهام گرفته است.

البته همه گروه‌های تروریستی باید به منظور ممانعت از هر گونه نفوذ و همچنین اجتناب از دستگیری اعضاء خود، توجه قابل ملاحظه‌ای را به مقوله امنیت و موضوعات ضد جاسوسی معطوف داشته و متعاقباً تدابیر دفاعی ضد جاسوسی مناسبی را اتخاذ نمایند. القاعده توانسته با به کارگیری طیف گسترده‌ای از ابزار تهاجمی ضد جاسوسی، همچنان در میان سازمان‌های تروریستی پیشگام باقی بماند.

### جنگ نسل چهارم و القاعده

گروه القاعده در دهه ۱۹۹۰، با هدف کارآمد کردن اقدامات تروریستی خود، اقدام به اجرای یک دگرگونی و تغییر شکل عملیاتی و سازمانی نمود [۵]. و در نتیجه، انقلابی را در اقدامات تروریستی بنیان نهاد. برخی از تحلیلگران نظامی بر این باورند که این اقدام، توسعه کلیدی در دگرگونی جنگ‌های نسل چهارم محسوب می‌شود [۶]. «مارتین ون کرولد»، نویسنده کتاب «دگرگونی جنگ»، جزو اولین کسانی بود که پیدایش شکل جدیدی از جنگ را مطرح ساخت. در این کتاب آمده است: «پارادایم مدرن جنگ، که در آن دولت‌ها و ملت‌ها با انگیزه‌های دولتی و با به کارگیری ارتش‌های رسمی جنگ را به پا می‌کنند، می‌رود تا به وسیله یک رویکرد پست مدرن، تحت‌الشعاع قرار گیرد... و سازمان‌هایی که (تروریست‌ها و دیگر

موضوعاتی از قبیل تاکتیکی القاعده، ابزارهای جاسوسی، جنگ نسل چهارم و القاعده، اصول ضد جاسوسی، فریب، تدابیر القاعده و اسلام، مطالعه موردی القاعده، دکترین و آموزش القاعده، سابقه بمب‌گذاری سفارت شرق آفریقا و در بخش دوم به موضوعات فریب و انکار در عملیات آفریقا، غافلگیری ۱۱ سپتامبر، فریب و انکار در عملیات ۱۱ سپتامبر و در پایان به کاربردها و آموزه‌هایی برای سیاست‌سازان آمریکا پرداخته خواهد شد.

«چگونه سازمان‌های تروریستی خاورمیانه با به کارگیری تاکتیک‌های فریب در آموزش‌های خود، می‌توانند آسیب‌پذیری‌های دشمنانشان را که در موقعیت برتر نظامی قرار دارند، شناسایی نمایند؟»

در این مقاله می‌بینیم که چگونه القاعده با استفاده از روش‌ها و اصول «ضد اطلاعاتی» در راهبردهای خود، حکومت غیر دولتی خود را توسعه داده است. این نوشتار، چگونگی استفاده القاعده از ابزار ضد جاسوسی در امور سازماندهی و جنگ را مورد بررسی قرار داده است.

در جنگ نامتقارن کنونی، سازمان‌های تروریستی خاورمیانه، مهارت بسیاری جهت کسب اطلاعات از طرح‌ها و اقدامات خصمانه خود کسب کرده‌اند تا بدین ترتیب بتوانند آسیب‌پذیری‌های دشمنان قدرتمند نظامی خود را کشف نمایند. حمله غافلگیرانه ۱۱ سپتامبر القاعده به ساختمان‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در آمریکا، از مهمترین این موارد محسوب می‌شود. القاعده توانست با اتخاذ روش‌های ضد جاسوسی چون فریب و انکار، یگانهای عملیاتی خود را در داخل کشور آمریکا استتار نماید.

برای شناخت ویژگی‌های ماهیتی و عملیاتی القاعده ابتدا باید دانست که این گروه چگونه فریب، تدابیر بازدارندگی و دیگر شیوه‌های ضد اطلاعاتی را در آموزش‌های مأموران خود و همچنین طراحی و اجرای عملیات‌های گنجانده است، چرا که برای آمریکا درک این واقعیات، کاربردهای قابل ملاحظه‌ای در خلال جنگ با القاعده خواهد داشت.

### ضرورت به کارگیری ابزار ضد جاسوسی

به زعم متخصصان و کارشناسان تروریسم بین‌الملل، روش‌های القاعده تفاوت فاحشی با همتایان خود در دهه ۱۹۸۰ دارد [۱]. حال این پرسش مطرح می‌شود که «برای درک و شناخت

قوانین و معاهده‌های جنگی بین‌المللی، هیچ‌گونه محدودیتی را برای تروریست‌ها و دولت‌های حامی آن ایجاد نمی‌کند، چرا که صرفاً در پی یافتن دوست‌ها و حامیان جدید و روش‌های نو هستند؛ روش‌هایی چون کاربرد سلاح‌های تخریب جمعی برای حمله به غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی و ایجاد بیشترین خسارات. بازیگران جنگ نسل چهارم که اغلب در سایه ایدئولوژی مبتنی بر مذهب و اعتقاد به ظهور منجی فعالیت می‌کنند، دشمنان سرسختی هستند که عملیات‌هایشان در اوج خشونت است و احساسات و قید و بندها هرگز در اقداماتشان خللی ایجاد نمی‌نماید.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، یافته‌ها و اطلاعات ما در مورد گروه القاعده و چگونگی همانندسازی این گروه در قالب جنگ نسل چهارم، افزایش یافت. القاعده توانسته است با اتکاء بر فریب، انکار، پنهان‌کاری و فنون تجارب ضدجاسوسی، خود را با جهانی‌سازی، سازمان‌های شبکه محور و فناوری‌های عصر اطلاعات تطبیق دهد.

علاوه بر آن، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، یکی از عوامل القاعده در مجله اینترنتی این گروه، به تشریح این نکته پرداخت که چگونه القاعده با مطالعه و یادگیری مفاهیم جنگ نسل چهارم، توانست دکتترین جنگی خود را با آن تطبیق دهد [۸]. نویسنده این مقاله - ابوعبید القریشی - نوشته خود را با بحث پیرامون خاستگاه ایده‌ها و عقاید و همچنین اشاره به مراجع کلیدی آغاز کرده است. سپس خاطر نشان می‌سازد که از اواخر دهه ۱۹۸۰، ملت اسلامی چگونه توانسته است در مدت کوتاهی پیروزی‌های عظیمی را بدست آورد که جهان پس از امپراطوری عثمانی، هرگز شاهد آن نبوده است. پیروزی‌های بدست آمده در مقابل دشمنانی با مدرن‌ترین تسلیحات، بهترین آموزش‌ها و با مجرب‌ترین ارتش‌های جهان (اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان، آمریکا در سومالی، روسیه در چین و صهیونیست‌ها در جنوب لبنان)».

حال این پرسش مطرح می‌شود که: «آنها چگونه این کار را انجام داده‌اند؟»

به گفته القریشی: «مجاهدین تنها با استفاده از تسلیحات سبک، توانستند برتری خود را در جنگ نسل چهارم اثبات نمایند. آنها بخشی از مردم هستند و خود را در میان آنها مخفی می‌سازند. این پیروزی‌ها به کابوس وحشتناکی برای قدرت‌های جهانی و کشورهای بزرگ تبدیل شد که علیرغم

گروه‌های غیر دولتی) حاضر به پذیرش انحصار دولتی اقدامات مسلحانه نیستند، سودای براندازی حاکمیت‌های ملی را دارند [۷].

اینک پرسش‌هایی را باید پاسخ گفت: «چگونه گروه‌های مسلح غیردولتی چون گروه‌های تروریستی، خود را با جهانی‌سازی، سازمان‌های شبکه محور، و فناوری‌های عصر اطلاعات تطبیق داده‌اند؟ چگونه این قبیل توسعه‌ها خواهد توانست بر قابلیت‌های تروریست‌ها در اجرای حملات غیرمتعارف تأثیر بگذارد؟ گروه‌های تروریستی چگونه به منظور اجرای عملیات‌ها و جنگ‌های خود، از یک سو در میان اعضاء داخلی، و از سوی دیگر میان خود و حامیان دولتی خود، همیاری و تعاون ایجاد می‌کنند؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند به عنوان جنگ نسل چهارم تعریف شود، جنگی که به نظر می‌رسد القاعده از آن پیروی کرده است:

جنگ نسل چهارم، شدیداً به لحاظ رویکرد، نامنظم، غیرمتعارف و غیر متمرکز است.

عملیات نامتقارن با هدف اجتناب از رویارویی مستقیم با قدرت برتر نظامی دولت‌ها، و به منظور شناسایی و حمله به اهداف آسیب‌پذیر سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و نمادین دشمن صورت گرفته و بدین ترتیب موجب تضعیف روحیه دولت و مردم می‌شود.

عملیات و سازماندهی، هر دو زیر پوششی از فریب، انکار، پنهان‌کاری، و دیگر روش‌های مرتبط با جاسوسی و تجارب ضدجاسوسی پنهان می‌شوند. آنها هیچ پوشش خاصی ندارند و از این رو به راحتی در میان دولت‌ها و ملت‌های هدف نفوذ می‌کنند.

فناوری‌های عصر اطلاعات، عمیقاً عملیات‌ها و سازمان‌های گروه‌های تروریستی را تحت تأثیر قرار داده است. توسعه سازمان‌های تروریستی شبکه محور، به همراه برقراری ارتباطات فرامرزی از طریق تلفن‌های بی‌سیم، دستگاه‌های نمابر، ایمیل، و وبسایت‌ها، موجبات دسترسی جهانی این گروه‌های مسلح را فراهم آورده است.

فناوری‌های مدرن مخابراتی و ترابری، این میدان جنگ را به مراتب پیچیده‌تر ساخته است. در این میدان نه تنها خطوط مقدماتی وجود ندارد، بلکه تعریف‌های قدیمی میان اهداف نظامی و غیرنظامی را نیز تغییر داده است.

### فریب، تدابیر القاعده، و اسلام<sup>۱</sup>

استفاده القاعده از روش‌های عملیاتی فریب و انکار، مشابه آنچه که در سرویس‌های اطلاعاتی به کار می‌رود، متأثر از مفاهیم اسلام است. در این رابطه دو اصل خاص در اسلام وجود دارد: «تقیه» و «کتمان».

تقیه عبارت است از اقدامی پیشگیرانه و احتیاطی به منظور مخفی نگاه داشتن عقاید و آراء فرد؛ در حالیکه کتمان به معنی خودداری از ذکر مطلب یا اختفاء نیت و مقاصد اصلی است. در بیشتر موارد، این مفاهیم به اعتقادات شیعیان باز می‌گردد [۱۲]. تقیه، به مفهوم مخفی کردن اعتقادات واقعی در شرایط سخت، در قرآن نیز آمده است: «تبیاید اهل ایمان مؤمنان را و گذاشته و از کافران دوست گیرند؛ هر کس چنین کند، رابطه‌اش با خدا قطع شده است مگر برای بر حذر بودن از شر آنها، و خدا شما را از عقاب خود می‌ترساند و بازگشت همه به سوی خدا است.» [۱۳].

در این آیات، مخفی نگاه داشتن ایدئولوژی و عقیده در هنگام سختی، جایز شمرده شده است [۱۴]. البته فرهنگ‌های دیگر نیز برای حفظ فرد در مقابل شداید، به مفاهیم مشابهی استناد می‌کنند [۱۵]. در همین رابطه به یکی از بهترین مثال‌ها توجه کنید:

عمار یاسر هنگامیکه به واسطه اعتقاداتش، توسط غیرمسلمانان تحت شکنجه قرار گرفت ایمانش را انکار کرد و سپس به سوی محمد(ص) (پیامبر اکرم) رفته و توبه نمود. محمد(ص) (پیامبر اکرم) نیز توبه او را پذیرفت و اعلام نمود که: از آن جا که این انکار از زبانت و نه از قلبت جاری شده است، خائن محسوب نخواهی شد.

به اعتقاد «مگنوس رنسورت»، مفهوم تقیه از عناصر اصلی عملیات‌های القاعده است [۱۶].

علاوه بر آن، دکترین‌های دینی اغلب جنبه عملیاتی دارند و آن را می‌توان در تفسیر کاربرد تقیه و کتمان مشاهده کرد. به عنوان مثال: در خلال تفتیش عقاید «دو اصل تقیه و کتمان به مجاهدین اجازه می‌داد تا برای اجرای مأموریت‌های خود، هویت‌های مختلفی برای خود برگزینند. آنها با استناد به دکترین، مذهب و پس از آن فتاوی‌های فقهی، با تظاهر به یهودی

تفاوت‌های عمده میان این دو جبهه، مغلوب تعداد اندکی از مجاهدان شدند. وی با تأکید بر روی آخرین نمونه، یعنی واقعه یازده سپتامبر، این‌گونه می‌گوید: «القاعده شدیدترین ضربه را بر روحیه آمریکائیان وارد آورد.»  
آموزه کلیدی وی از تمام وقایع آن است که: «زمان آن فرا رسیده تا جنبش‌های اسلامی که در حال حاضر با تهاجم عمومی صلیبیون مواجه هستند، قوانین جنگ نسل چهارم را در خود نهادینه کنند. آنها باید تفکرات راهبردی را تقویت نموده و سطح مناسبی از آمادگی نظامی را ایجاد نمایند.» [۹].

### اصول ضد جاسوسی

گروه القاعده چگونه با هدف پشتیبانی از عملیات‌های تروریستی خود، ابزار ضد جاسوسی را به کار می‌گیرد؟ تحلیلگران اطلاعاتی باید به خوبی قادر به تشخیص و تفکیک سیگنال واقعی مشخص‌کننده یک حمله، از نویزهایی باشند که یا ناشی از پیام‌های نامرتبط است و یا تعمداً به منظور فریب ارسال شده است [۱۰]. سیگنال‌های حقیقی اغلب در نویزها جاسازی شده‌اند و ارتباطی با سیگنال‌های غیرواقعی ندارند. پیش از واقعه ۱۱ سپتامبر، نویزهای قابل ملاحظه‌ای وجود داشت که برای القاعده، امکان دستیابی به غافلگیری راهبردی را فراهم می‌ساخت. افزایش ارتباطات میان کانون‌های تروریستی، برای جامعه اطلاعاتی مبین یک حمله قریب‌الوقوع بود، اگر چه مکان و زمان این حمله همچنان در پرده‌ای از ابهام قرار داشت [۱۱]. اما پیش‌داوریها و پیش‌فرض‌ها، می‌توانست منجر به خودفریبی شده و از این رو نقش مهمی در غافلگیری راهبردی بازی نماید. علاوه بر آن، نوآوری‌های فناورانه و تاکتیکی نیز ممکن است مانع از ارزیابی صحیح اطلاعات گردد. قبل از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، جامعه اطلاعاتی از احتمال یک حمله قریب‌الوقوع آگاه بود و تا آن زمان صرفاً اهداف برخی هواپیماربایی‌ها یعنی: تسخیر هواپیما و مطرح شدن تقاضاهایی از سوی ربابندگان برای آزادسازی هواپیما و مسافران مطرح بود؛ بدتر آنکه، جامعه اطلاعاتی، از گستره استقرار یگانهای القاعده در آمریکا، و سطح آمادگی آن‌ها برای اجرای غافلگیری راهبردی ۱۱ سپتامبر، آگاهی نداشت.

۱- مجدداً یادآور می‌گردد نظرات منعکس شده در مقاله، متعلق به نویسنده آن می‌باشد و در اکثر موارد با مفاهیم متعالی اسلامی در تناقض می‌باشد.

بخشی از نحوه سازمان‌دهی و استقرار جهانی یگان‌های خود با هدف اجرای حملات غافلگیرانه علیه آمریکا، تا کجا پیش رفته است؟» پاسخ به این پرسش، به دو روش ذیل تعیین می‌شود:

۱- بررسی جایگاه این ابزارهای ضدجاسوسی در دکترین و آموزش القاعده،

۲- بررسی دقیق اظهارات متهمان به بمب‌گذاری سفارت آمریکا،

۳- ارزیابی نحوه استفاده از فریب، انکار و دیگر ابزار ضدجاسوسی توسط کانون‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر.

### دکترین و آموزش

به عنوان مثال با در نظر گرفتن آئین‌نامه «مطالعات نظامی در جهاد علیه ظالمان» که به منظور آموزش القاعده طراحی شده است [۲۱] و مقایسه آن با اصول عملیاتی به کار گرفته شده در دو عملیات تروریستی حمله به سفارت آمریکا و حادثه ۱۱ سپتامبر، می‌توان به چارچوب مناسبی برای پیش‌بینی عملیات‌های آتی این شبکه تروریستی، دست یافت.

اگرچه آغاز پیدایش چنین آئین‌نامه‌هایی، همچنان در پرده‌ای از ابهام است، اما بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته در مورد بمب‌گذاری‌های تروریستی غرب آفریقا، سرخ‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد. پلیس انگلستان آئین‌نامه را در منزل «اناس آل - لیبی» که از همدستان علی - محمود - گروه‌بان سابق ارتش آمریکا در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۸۶ - بود، یافت [۲۲]. محمود اعتراف کرد که پیروان آسامه بن لادن را در افغانستان آموزش داده است [۲۳]. وی همچنین آئین‌نامه‌های نظامی آمریکا را به زبان عربی ترجمه کرده است. در حمله به منزل وی، یک فایل کامپیوتری حاوی روش‌های آموزشی استفاده از مواد انفجاری، ترور، و فنون شناسایی و مراقبت کشف شد. محمود در نهایت به اعدام محکوم شد [۲۴].

این آئین‌نامه با یک عبارت ترسناک آغاز می‌شود: «مواجهه‌ای که ما به آن فراخوانده شده‌ایم، مناظرات سقراطی، ایده‌های افلاطونی و یا دیپلماسی ارسطویی را نمی‌شناسد. او تنها گفتگوی ترور، بمب‌گذاری و انهدام را می‌شناسد... دولت‌های اسلامی هرگز از طریق روش‌های صلح‌جویانه یا اجلاس‌های همکاری، تأسیس نشده و نخواهند شد. آنها به همان روشی که از ابتدا شکل گرفته‌اند، پدیدار خواهند شد: با قلم و اسلحه، با کلمه و گلوله... با زبان و دندان.»

یا مسلمان بودن می‌توانستند به اهداف مورد نظر دست یابند؛ «علاوه بر آن در قرن هفتم میلادی (ظهور اسلام)، تاکتیک مطلوب مسلمان‌ها برای متقاعد کردن دشمنانشان این بود که: «شما هدف این جهاد محسوب نمی‌شوید و دشمن دیگری مدنظر ماست.» و یا اینکه کاملاً جهاد را منکر می‌شدند [۱۷].

در مقوله تروریسم مدرن، این مفاهیم برای مقاصد عملیاتی، تعبیر و تفسیر شده است. علاوه بر آن، این مفاهیم به ابزار مهمی برای تروریست‌های اسلام‌گرای افراطی تبدیل شده است. در جایی برای همه آنهایی که با تروریسم نامتقارن روبرو هستند آمده است:

«آئین‌نامه‌های آموزشی القاعده، حاوی دستورالعمل‌های تفصیلی استفاده از فریب است که توسط تروریست‌ها در کشورهای هدف غربی به کار گرفته می‌شود.»

مطالعه دو مفهوم تقیه و کتمان، برای فهم و درک بهتر بنیادگرایی اسلامی و همچنین شناسایی دامنه تغییرات تروریسم، از طرح تهدیدات تروریستی کاذب، انتشار اطلاعات غلط راهبردی و عملیاتی توسط القاعده در قالب «پیچ‌های اطلاعاتی»، تا استفاده تروریست‌ها از تقیه و کتمان در طی بازجویی‌ها، و بهره‌گیری روشمند سخنگوهای مسلمان، از اظهارات گمراه‌کننده در مورد اسلام و تروریسم، امری حیاتی محسوب می‌شود [۱۸].

به کارگیری این مفاهیم سنتی توسط گروه‌های تروریستی چون القاعده و نیز مفتی اعظم استرالیا - شیخ تاج‌الدین الهاللی - تأیید گردید: «تقیه در زبان است نه در قلب، از این رو مؤمنان می‌توانند مادامیکه قلبشان مؤمن است، هر جمله‌ای را بر زبان بیاورند.» تروریست‌های ۱۱ سپتامبر، ۲ سال قبل از این واقعه در آمریکا زندگی می‌کردند. چگونه آنها با فرهنگ آمریکایی کنار آمده‌اند؟ پاسخ، تقیه است. یعنی: «در حالیکه به تو لبخند می‌زنم، از تو متنفرم [۱۹]. اسناد دادگاه محاکمه عوامل بمب‌گذاری سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا (۱۹۹۸)، فاش ساخت که به اعضاء القاعده گفته شده بود تا با غربی‌ها معاشرت نموده و به اصطلاح با آنها بجوشند، عقاید افراطی خود را مخفی ساخته و زندگی دوگانه‌ای را در پیش گیرند [۱۰].

### مطالعه موردی در خصوص القاعده

اینک پرسشی مطرح می‌شود: «القاعده برای آموزش و به‌کارگیری فریب، انکار و دیگر ابزار ضدجاسوسی، به عنوان

ریش‌هایشان را بتراشند. وی پیشنهاد می‌کند که مثلاً کسی که تحت عنوان پزشک فعالیت می‌نماید، باید در منزل خود مدارک لازم مانند گواهینامه پزشکی و یا اجازه طبابت را داشته باشد. وی خاطرنشان می‌سازد که: «یک کارگر نباید با سکونت در یک هتل مجلل، موجب جلب توجه و برانگیختن شک گردد.»

درس پنجم، بر اهمیت موضوع ارتباطات و ترابری تأکید می‌نماید. در مقدمه این قسمت آمده است: «به خوبی می‌دانیم که در عملیات‌های سری، ارتباطات، نقطه اتکاء ما برای سرعت یافتن اجرای عملیات است. با این حال، ارتباطات یک شمشیر دولبه است: اگر به خوبی از آن استفاده کنیم، به نفع ما عمل می‌نماید و اگر تدابیر امنیتی لازم را لحاظ نکنیم، مانند خنجری بر پشت ما فرود می‌آید.» در این بخش به تفصیل در مورد روش‌های جلوگیری از کشف توسط سامانه‌های امنیتی دشمن، صحبت شده است. در قسمتی از آن، به وضوح از فریب به عنوان یک راهبرد متقابل یاد شده است: «هنگامیکه دقیقاً می‌دانیم یک خط تلفن شنود می‌شود، می‌توان از فرصت استفاده کرد و با فراهم آوردن اطلاعات غلط، هم دشمن را گمراه نمود و هم برنامه کاری خود را پیش برد.» سپس، اشاره‌ای به ابزارهای عصر اطلاعات مانند مخابرات بی‌سیم می‌نماید و توصیه می‌کند: «ابزار و تجهیزات باید در مکانی با فرکانس بی‌سیم بالا مانند: مناطق نزدیک ایستگاه تلویزیون، سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها قرار داده شوند تا دشمن قادر به شناسایی آنها نشود.»

درس نهم - طرح‌های امنیتی - از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین آئین‌نامه، طرح امنیتی عبارت است از: «مجموعه‌ای از تدابیر منسجم، هماهنگ و یکپارچه که مرتبط با یک فعالیت معین بوده و با هدف غافلگیری و سردرگمی دشمن طراحی شده است.»

یک طرح برای موفقیت، باید:

۱) واقع‌گرایانه و مبتنی بر واقعیات باشد، بدین ترتیب طرح فوق برای دشمن - چه قبل و چه بعد از اقدام - باور کردنی و معتبر خواهد بود.

۲) هماهنگ، یکپارچه، منسجم و فارغ از گسستگی باشد تا دشمن به خوبی متأثر از سلسله زنجیرواری از وقایع گردد.»

در صورت دستگیری و بازجویی اعضای توسط دشمن، «هر عضوی باید یک فرمانده خیالی را به عنوان مغز متفکر بسازد که

این سند همانند یک آئین‌نامه رزمی نظامی است و برای اقدامات خود دلیل منطقی می‌آورد. مثلاً سرکوبی مؤمنان توسط رژیم‌های کافر، اهداف راهبردی را مشخص می‌سازد (براندازی رژیم‌های بی‌ایمان و جایگزینی آنها با دولت‌های اسلامی)، و ملزومات عملیاتی را برمی‌شمرد (شرایط لازم برای عضویت). سپس در حوزه‌های تاکتیکی که به دقت همگام با وظائف کاربردی سازمان‌دهی شده، عمیق‌تر می‌گردد. این آئین‌نامه اساساً حول محور یک هدف عمده است: «هنگام نفوذ به موقعیت دشمن، تحت هیچ شرایطی نباید ردیابی شوی.» آئین‌نامه مطالعات نظامی، حاوی تعداد زیادی آموزه‌های تاکتیکی در مورد چگونگی به کارگیری استتار و اختفاء، دوری کردن از مقامات، و اجرای طیف گسترده‌ای از مأموریت‌هاست. با توجه به ماهیت مخفی این اقدامات، رازداری، نهان‌کاری و فریب از راهبردهای اصلی آن محسوب می‌شود.

در بخش مقدمه این سند، داستان‌هایی از قرآن و حکایتی کهن در باب ستایش، فریب به عنوان یک فضیلت آورده شده است.

درس دوم این آئین‌نامه، تحت عنوان «ویژگی‌های ضروری اعضای سازمان»، به اهمیت رازداری و اختفای اطلاعات می‌پردازد. همچنین در این سند به اعضاء سفارش شده که «در نهان‌کاری‌های خود، از خداوند مدد بگیرند». این سند از ضرب‌المثل‌های قدیمی نیز استفاده کرده است: «قلوب آزاد مردان، آرامگاه رازهاست»، و یا «رازداری مسلمان، وفاداری است و سخن گفتن از آن، خیانت است». در این بخش همچنین دو داستان در مورد فرمان محمود به عمالش برای فریب، و داستانی نیز در مورد چگونگی رازداری‌های محمود آمده است. همچنین در این آئین‌نامه، به آموزه‌های تاریخی که نویسنده از تاریخ رم، جنگ جهانی اول و سازمان موساد اسرائیل اقتباس کرده نیز اشاره شده است.

در درس سوم، مقوله اسناد جعلی و پول‌های تقلبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی اینگونه بیان می‌کند: «کلیه جعل‌سازی‌ها باید براساس فرمان، و نه به صورت اتفاقی، اجرا گردد.» اگرچه هرگز نمی‌گوید که چگونه این اقدامات به فراخور عملیات، صورت می‌گیرند.

درس چهارم در مورد نحوه استفاده صحیح از آپارتمان‌ها و مکان‌های استیجاری سخن می‌گوید. او به اعضاء توصیه می‌کند که از هر کاری که موجب مشکوک شدن دیگران می‌شود، اجتناب نمایند، هم‌رنگ جامعه شوند و به عنوان مثال

این آیین‌نامه، به نحوه آموزش اعضاء القاعده در حوزه ابزارها و اقدامات ضدجاسوسی آفندی و پدافندی می‌پردازد. این اسناد به همراه مدارک کشف شده در افغانستان و نقاط دیگر، حاکی از چالش‌های عظیمی است که توسط القاعده بر جهان اعمال شده است. در این میان، فرهنگ رازداری، تمایل طبیعی آنها به فریب، ساختار سازمانی پراکنده، و روش‌های آموزشی، بی‌شک توانسته به ماهیت گریزپایی و ابهام‌آلودی آنها به عنوان یک گروه تروریستی کمک نماید. این واقعیت‌ها، اهمیت حوزه ضدجاسوسی را در دکتین القاعده و همچنین در وقایع شرق آفریقا و ۱۱ سپتامبر به مراتب پررنگ‌تر می‌کند.

### بمب‌گذاری سفارت شرق آفریقا (۲۸)

در ۷ آگوست ۱۹۹۸، دو بمب به فاصله ۹ دقیقه در سفارت‌خانه‌های آمریکا واقع در نایروبی و دارالسلام منفجر شد و ۲۲۴ کشته و ۴۱۰۷ مجروح بر جای گذاشت که در این میان ۱۲ تن از کشته‌شدگان و ۲۴ نفر از مجروحان، از شهروندان آمریکایی و عمدتاً افسران سرویس خارجی بودند. در هر دو مورد، انفجار به واسطه کامیون بمب‌گذاری شده‌ای که در نزدیکی مجتمع سفارت پارک شده بود، رخ داد. این حملات درست ۵ ماه پس از صدور فتوای بن‌لادن مبنی بر «جهاد علیه یهودیان و صلیبیون» در فوریه ۱۹۹۸ اتفاق افتاد. مدارک و شواهد موجود در دادگاه بمب‌گذاری، حاکی از آن است که طراحی این عملیات‌ها در اوایل ۱۹۹۸ آغاز شده بود [۲۹].

بمب‌گذاری سفارت آمریکا در نایروبی هنگامی رخ داد که «محمود راشد دعود آل‌آوالی» محافظ آمریکایی را در محل پست خود بر روی دیوار سفارت، خلع سلاح نمود. سپس «محمود علی» کامیون را به ورودی پارکینگ سفارت رساند: «آل‌آوالی» چند ثانیه قبل از انفجار بمب فرار کرد. بمب‌گذاری دارالسلام نیز دارای برنامه مشابهی بود.

کنیا، پایگاه این دو عملیات بود، جایی که «محمدصادق عده» مشاور فنی و مشاور مواد انفجاری کانون‌های القاعده در این کشور زندگی می‌کرد. هر دوی کامیون‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند که قابلیت حمل مقادیر فراوان مواد انفجاری و چاشنی‌های مکانیکی را داشته باشند.

«ودیع آل‌حاج» کسی که توانسته بود در سال ۱۹۸۹ عنوان شهروندی آمریکا را به دست آورد، در اواخر دهه ۱۹۹۰

ابداع، طراحی، آموزش و اجرای عملیات بر عهده وی بوده است» و ادعا نماید که وی برای اغتشاش، به کشور دیگری فرستاده شده است.

درس دهم مربوط به اعضای است که به جرم ترور، بمب‌گذاری، آدم‌ربایی و یا تهدید، دستگیر می‌شوند و نیز افرادی که مسئولیت چنین عملیات‌هایی را عهده‌دار می‌شوند. این افراد موارد ذیل را باید رعایت کنند:

(۱) زیرکی، احتیاط و فریب؛ (۲) رازداری و (۳) ناشناخته ماندن برای دشمن. در مورد فریب، «اعضا باید به خوبی تغییر چهره داده و در موقعیتی نزدیک به منطقه عملیات قرار بگیرند». در مورد انکار، به منظور جلوگیری از انتشار و نشت اطلاعات، هیچیک از اعضاء نباید تا مدت کوتاهی قبل از اجرای عملیات، از آن آگاه شوند. پس از عملیات نیز باید کلیه اسناد، امحا شود.

درس یازدهم و دوازدهم به ویژه بر روی جاسوسی و کسب اطلاعات متمرکز شده است. در این قسمت با بازگشت مجدد به دوران حضرت محمد(ص) (پیامبر اکرم)، بر اهمیت شناخت دشمن تأکید نموده و به منابع خبری (خبرچینان) در اغلب جنگ‌ها، استناد می‌نماید. سپس به تطبیق عملیات‌های جاسوسی با اصول اسلامی پرداخته و می‌گوید: «جاسوسی و کسب خبر از دشمنان، مجاز بوده و ممکن است حتی در هنگام جنگ میان اسلام و دیگران، یک وظیفه محسوب شود. پیروزی در جنگ، بستگی به آگاهی از رازهای دشمن دارد». پس از آن به توصیف روش‌های استتار عملیات از طریق مطالعه بر روی آسیب‌پذیری‌های دشمن می‌پردازد. وی توصیه می‌کند که با جستجو در منابع اطلاعاتی در دسترس، می‌توان به نتایج ارزشمندی دست یافت. در واقع می‌توان گفت، عوامل بن‌لادن برای مطالعه نقاط ضعف امنیتی تأسیسات حساس آمریکا، از گزارش‌های منتشر شده توسط «دفتر حسابداری عمومی» که در دسترس همگان بوده است، استفاده کرده‌اند [۲۵]. قسمت‌های دیگر این آئین‌نامه به شرح تفصیلی برخی تاکتیک‌های خاص می‌پردازد [۲۶].

آئین‌نامه آموزشی دیگری نیز در ۱۱ جلد تحت عنوان «دائرة المعارف جهاد» وجود دارد که با ۷۰۰۰ صفحه شامل موضوعات زیر است:

نحوه جاسوسی و کسب اطلاعات، انواع امنیت، جاسوسی نظامی، خرابکاری، اطلاعات سری، دیده‌بانی، ترور، حفاظت از رهبران، قوانین عملیات‌های خرابکارانه، و کاربرد سلاح [۲۷].

دنیا آمد و در اردن به دبیرستان رفت و در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه فیلیپین در رشته مهندسی معماری تحصیل نمود. سپس وارد یک مرکز اسلامی کویتی شد و سخنرانی شیخ عبدالله را در خلال جنگ افغان با شوروی گوش فراداد و سپس جذب «جهاد» شد [۳۳].

در اکتبر ۱۹۹۰ «عده» سال آخر دانشگاه را رها کرده و به جهاد افغانستان پیوست. او در طول ۲ ماه در کمپ «خوست»، آموزش‌های پایه را در زمینه استفاده از مسلسل و تسلیحات هوشمندی چون: موشک‌های ضدتانک، خمپاره‌اندازها، موشک‌انداز و تسلیحات پدافند هوایی فرا گرفت. وی پس از فراگیری آموزش‌های بیشتر در افغانستان، دستورالعمل‌های بیشتری را دریافت کرد. پس از پایان دوره مذهبی ۳ ماهه در پیشاور (۱۹۹۲)، به فرمان بن‌لادن حدود ۷ ماه در سوماتی آموزش‌های اسلامی دید [۳۴].

در سال ۱۹۹۴، وی سوماتی را ترک کرده و وارد کنیا شد و یک شرکت ماهیگیری راه‌اندازی کرده و با یک زن کنیایی ازدواج نمود و بدین ترتیب تلاش کرد تا خود را با جامعه کنیایی ممزوج کرده و بخشی از ادبیات جاسوسی را تحت عنوان «کانون هفته» پیاده نمود.

در مارس ۱۹۹۸، کانون کنیا دستوری را از بن‌لادن مبنی بر آماده‌سازی عملیات دریافت کرد. در ۶ آگوست - روز قبل از حملات - عده به کراچی پرواز کرد و مقامات پاکستانی با پی بردن به جعلی بودن پاسپورت وی، او را دستگیر کردند.

«ودیدج آل‌حاج» در خانواده‌ای کاتولیک در لبنان متولد و در کویت بزرگ شد. در جوانی پس از مطالعه قرآن به اسلام گروید. در سال ۱۹۷۸ برای تحصیل در رشته برنامه‌ریزی شهری به دانشگاه «لوویانا» رفت. از آن‌جا که خانواده وی به واسطه تغییر مذهب او، طردش کرده بودند، یک شیخ مسلمان کویتی هزینه‌اش را پرداخت می‌کرد. او نیز همانند «عده» از پیروان «شیخ عبدالله اعظم» شد و آموزش‌های لازم برای جنگ با شوروی را فرا گرفت. وی پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۸۶، برای تشکیل خانواده به آریزونا رفت و در طی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۶، بارها به افغانستان و پاکستان سفر کرد.

در سال ۱۹۸۹ وی عنوان شهروندی آمریکا را بدست آورد و به آرلینگتون تگزاس مهاجرت نمود. ودی آل‌حاج در سال ۱۹۹۱، برای حمایت از کهنه سربازان جنگ افغانستان، به نیویورک فراخوانده شد. سپس در مرکز آوارگان «الکیفا» واقع در

خانواده‌اش را به کنیا برد. او پیش از این معاون بن‌لادن در سودان، و از کهنه سربازان جنگ افغانستان با شوروی بوده است. وی از مهره‌های کلیدی القاعده و مجری بمب‌گذاری‌ها بود.

«عده، آل‌حاج و آل‌والی» که در ۲۹ ماه می ۲۰۰۱ در دادگاه مجرم شناخته شده و به حبس ابد محکوم شدند، از عاملان کلیدی یگانی بودند که به شکل مخفیانه در دهه ۱۹۹۰ در کنیا، تأسیس شده بود. اعضاء این کانون القاعده به زندگی کاملاً عادی خود ادامه می‌دادند، و منتظر می‌شدند تا برای یک عملیات فراخوانده شوند.

بمب‌گذاری‌های شرق آسیا، به واسطه بهره‌گیری از تاکتیک‌های بنیادین ضدجاسوسی، به خوبی هماهنگ و اجرا شدند. در جریان محاکمات عاملان بمب‌گذاری، مدارک ارزشمندی در مورد فعالیت‌ها و عملیات‌های داخلی یگان القاعده در کنیا، وجود دارد. این آرشیو همچنین حاوی اظهارات «محمود علی» یکی از ۱۷ متهمی است که به مرگ محکوم شدند [۳۱].

آل‌والی در ۱۸ ژانویه ۱۹۷۷ در لیورپول به دنیا آمد و در عربستان سعودی بزرگ شد. وی در یک خانواده متوسط زندگی می‌کرد و در نوجوانی شروع به خواندن متون اسلامی چون «الجهاد، ال‌مجاهدین» نمود. گوش دادن به سخنرانی‌های ضبط شده «شیخ عمر عبدالرحمن» - روحانی نابینای مصری - نقش وی را در بمب‌گذاری مرکز تجاری جهان رقم زد و بدین ترتیب وی را در آغوش اسلام افراطی و تنفر به آمریکا انداخت و حضور او را در شبه جزیره عربی تثبیت نمود [۳۲].

وی پس از دوران دبیرستان، وارد دانشگاهی مذهبی در ریاض شد. ۲۰ سال پیش از بمب‌گذاری سفارت‌خانه، وی و دوستانش به «کمپ خلدان» در افغانستان رفتند تا به جهادگران القاعده بپیوندند. وی تعلیمات لازم در خصوص سلاح‌های سبک، توپخانه، مواد انفجاری، مخابرات، و ایدئولوژی‌های مذهبی القاعده را گذراند. پس از آن برای آموزش‌های پیشرفته در زمینه‌های جاسوسی، امنیت اطلاعات، هواپیما‌رئایی و گروگان‌گیری به کمپ دیگری رفت. «آل‌والی» و «محمدعلی» پیش از عملیات نایروبی در ۱۹۹۸، مدیریت کانون و عملیات ویژه را بر عهده گرفتند و پایگاه‌های تدارکاتی را در یمن و پاکستان ایجاد نمودند. در ۷ آگوست، وی فردی بود که در کامیون بمب‌گذاری شده نایروبی، همراه او بوده است.

محمدصدیق عده، در یک خانواده فلسطینی در عربستان به

خود یعنی اسکندریه مصر، به اخذ مدرک از دانشکده نظامی قاهره نائل آمد. وی پس از ۱۳ سال خدمت در ارتش مصر، به درجه سرگردی رسید. سپس در خلال خدمت در ارتش، موفق به اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه اسکندریه مصر گردید و در همین رشته، مدرک دکترای خود را در کارولینای شمالی گرفت [۳۹]. وی تا قبل از انفصال از ارتش، به عضویت جهاد اسلامی مصر درآمد. با خروج از ارتش، در سال ۱۹۸۵ به آمریکا رفت و در آن جا به عنوان یک افسر امنیتی در سرویس‌های حفاظتی آمریکا در کالیفرنیا، مشغول به کار شد [۴۰]. سپس با یک تکنسین پزشکی ازدواج کرد و با احراز شهروندی آمریکا، به ارتش آمریکا پیوست. او در ابتدا به عنوان گروهان تدارکات، و در کارولینای شمالی استخدام شد. در سال ۱۹۸۸، وی ظاهراً با استفاده از مرخصی خود به شکل غیرمجاز با هدف جنگ با شوروی، به افغانستان سفر کرد. وی به محض دریافت درجه سرگروهانی - یعنی ۳ سال پس از پیوستن به ارتش - محترمانه از خدمت منفصل گشت.

وی که از دهه ۱۹۸۰ با جهاد اسلامی مصر همکاری می‌کرد، در اوایل دهه ۱۹۹۰ به گروه القاعده معرفی شد [۴۱]. در خلال زندگی در نیویورک، وی یک بنگاه صادرات و واردات چرم تأسیس کرد و در همین زمان برای آموزش دوره تاکتیک‌های نظامی، جاسوسی و انفجار، سفرهای مکرری به افغانستان داشت [۴۲]. او در بمب‌گذاری مرکز تجارت جهانی، مشاوره می‌داد. وی در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۷ به همراه همسرش در کالیفرنیا زندگی می‌کرد. در اواخر ۱۹۹۳، علی‌محمد تحت پوشش فعالیت اقتصادی خود، به پایش، مراقبت و عکاسی از اهداف اسرائیلی، آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی واقع در ناپروبی پرداخت. بن‌لادن به وسیله همین تصاویر توانست بهترین مکان را برای استقرار کامیون حامل بمب، در حمله به سفارت آمریکا در ناپروبی تعیین نماید. پس از بمب‌گذاری ۱۹۹۸، وی به دادگاه احضار شده و در مقابل هیئت ژوری، قسم دروغ خورد، سپس دستگیر و به اعدام محکوم شد.

در میان آن دسته از اعضاء القاعده که در عملیات شرق آفریقا حضور داشتند، مهمترین آنها «علی الرشدی» است که پس از جنگ با شوروی در افغانستان، به «ابوعبیده» معروف شد. وی که یک افسر پلیس مصری بود، رابطه نزدیکی با مؤسس «جهاد اسلامی مصر» داشت و معاون ارشد بن‌لادن بود. وی به همراه «محمد عائف» ریاست کمیته نظامی القاعده را بر عهده گرفتند.

بروکلین، با یکی از عاملان واقعه حمله به مرکز تجارت جهانی، مرتبط گشت. در اوایل ۱۹۹۲ مجدداً به سودان بازگشت و فعالیت‌های خود را برای بن‌لادن آغاز نمود. اگرچه به ادعای خانواده وی، او تنها برای شرکت تجاری بن‌لادن کار می‌کرده، اما مدارک حاکی از آن است که وی در عملیات‌های تروریستی شرکت داشته است. او و خانواده‌اش در سال ۱۹۹۴، سودان را به مقصد کنیا ترک کردند.

در حالیکه در کنیا او همچنان با دیگر اعضای القاعده در ارتباط بود، اقدام به تشکیل یک کانون هفته زیرزمینی نمود و پس از آن در جریان عملیات‌های دارالسلام و ناپروبی فعال گردیده و خودش فرماندهی این یگان را بر عهده گرفت. در سپتامبر ۱۹۹۷، پس از بازرسی خانه وی در کنیا، او و خانواده‌اش، کنیا را ترک کرده و به تگزاس بازگشتند. در نهایت وی در سپتامبر ۱۹۹۸ یعنی یک ماه پس از حادثه بمب‌گذاری دستگیر شد [۳۵].

«خلفان خمیس محمد» در تانزانیا به دنیا آمده است. وی در محیطی با سطح پایین رشد کرد و بیشتر از هر دانش‌آموز دیگری اوقات خود را در مدارس مذهبی گذراند [۳۶]. او نتوانست دوره دبیرستان را به اتمام برساند [۳۷]. در ۱۷ سالگی برای کار در مغازه برادرش به دارالسلام رفت. در این زمان وی بیش از هر زمان دیگری علاقه‌مند به مطالعه در مورد اسلام و حضور در مسجد شد. اگرچه او در سال ۱۹۹۵ کلیه آموزش‌های نظامی گروه القاعده را در افغانستان گذراند، اما از سوی طالبان برای جنگ با ائتلاف شمال فراخوانده شد و از این رو مجدداً به دارالسلام بازگشت.

او در سال ۱۹۹۸ با القاعده مرتبط شد و در مورد پروژه بمب‌گذاری تانزانیا - بدون اطلاع دقیق از موضوع مأموریت - شروع به فعالیت کرد. وی برای این عملیات، خانه‌ای را در دارالسلام اجاره کرد که در آن، ساخت بمب و طراحی نهایی عملیات انجام می‌شد. سپس یک دستگاه خودروی سوزوکی سفید برای حمل بمب به مقصد سفارت کرایه کرد و مسیر کوتاهی را با راننده طی نمود. پس از انفجار، به محل انفجار رفت تا از سفارت ویران شده عکس بگیرد. چند روز پس از این واقعه، وی با نام جعلی «زهران نظیر مولید»، به آفریقای جنوبی فرار کرد و تا زمان دستگیری در یک رستوران مشغول به کار بود.

«علی عبد السعود محمد»، پس از گذراندن دبیرستان در زادگاه

- asymmetrical warfare go to The RMA Debate at <[www.comw.org/rma/index.html](http://www.comw.org/rma/index.html)>.
6. The 1st generation--the classical war between nation-states--was perfected by Napoleon. This was followed by the industrial age 2nd generation war of attrition based on massive firepower. It reached its apogee in WWI. Maneuver warfare, introduced by the Germans in WWII and refined by the United States in the 1980s, marked the 3rd generation.
  7. Martin van Creveld, *The Transformation of War* (New York: Free Press, 1991), p. 224. See his retrospective in Martin van Creveld "The Transformation of War Revisited," *Small Wars and Insurgency* (Summer 2002), pp. 3-15.
  8. For a translation, see "Bin Laden Lieutenant Admits to September 11 and Explains Al Qaeda's Combat Doctrine," *The Middle East Media Research Institute* (No. 344) at <[www.memri.org/jihad.html](http://www.memri.org/jihad.html)>.
  9. Ibid.
  10. Roberta Wohlstetter, "Cuba and Pearl Harbor: Hindsight and Foresight," *Foreign Affairs*, Vol. 43 (July 1965), p. 707.
  11. There is a debate about whether or not the intelligence community knew that terrorists would use hijackings and target the World Trade Center. See James Risen, "U.S. Failed to Act on Warnings in '98 of a Plane Attack," *New York Times*, September 19, 2002, p. 1. According to the article, the CIA and FBI received warnings that al-Qa'ida wanted to attack New York or Washington using airplanes.
  12. The extent to which *Taqiyya* is actually accepted by many Shi'a is debatable, but the concept exists and is accepted as a legitimate tenet of Islam.
  13. Koran, verses 3:28 and 16:106, as cited in Sayyid Moustafa Qazwini, "Dissimulation (*taqiyyah*)," in *Inquiries about Shi'a Islam* (The Islamic Educational Center of Orange County), Chapter 10. Available from <<http://www.alislam.org/shiism/10.htm>>.
  14. Counter Intelligence-Counter Espionage-Counter Terrorism (CI-CE-CT), "*Taqiyya* and *kitman*: The Role of Deception in Islamic Terrorism." CI-CECT is an Australian non-profit, educational site, dedicated to understanding and increasing capabilities to counter traditional, contemporary and emerging terrorist threats. Available from <<http://www.ci-ce-ct.com/main.asp>>.
  15. Cyrus H. Gordon, "The Substratum of *Taqiyya* in Iran," *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 97 (1977), p. 192. Gordon writes, "while Bahais, Christians, Jews and Sunnites in Iran may not foster *taqiyya* as a tenet of their faith, they resort to it as a pattern of behavior permitted by Iranian mores." He argues that it is not only a religious principle, but a social institution. Additionally, Gordon points out that in the Book of Esther, the practice of *taqiyya* was implemented,

سپس در سال ۱۹۹۵ به منظور ایجاد یگان‌هایی که قرار بود عملیات حمله را رهبری نمایند، به سرعت راهی کنیا شد. ابوعبیده در کنیا از رهبران نظامی کلیدی و فرماندهان رده بالا محسوب می‌شد، تا اینکه در جریان یک حادثه در ۱۲ ماه می ۱۹۹۶، قایقش در رودخانه ویکتوریا غرق شد. پس از مرگ ابوعبیده، «عبدالله احمدعبدالله» - یکی از اعضای جهاد اسلامی مصر و یک بازیکن حرفه‌ای فوتبال - جانشین وی شد. عبدالله در بمب‌گذاریهای دارالسلام و نایروبی، هماهنگ‌کننده منطقه‌ای بن‌لادن بود. در ۴ آگوست ۱۹۹۸، وی آخرین مراحل شناسایی سفارت نایروبی را انجام داد و حمدان خلیف را مأمور راندگی کامیون حامل بمب نمود. در کانون کنیا، عبدالله تنها کسی بود که حق داشت به نمایندگی از القاعده، مکالمات خارج از کشور داشته باشد. وی به همه اعضای گروهش - به استثناء راننده و افراد محلی - فرمان داد تا قبل از ششم آگوست، منطقه را به مقصد افغانستان ترک کنند [۴۴].

## مراجع

1. g specialists see, Russell Howard and Reid Sawyer, (eds.), *Terrorism and Counterterrorism Revised* (New York: McGraw-Hill/Duskin, 2004).
2. John Dziak, "The Study of the Soviet, Intelligence and Security System," in Roy Godson (ed.), *Comparing Foreign Intelligence* (Washington, DC: Pergamon-Brassey's, 1988), p. 65.
3. *American Encyclopedia of Religion* (NY: Macmillan, 1986).
4. The historical roots of such political systems were traced back to the Oriental/Asiatic despotisms of ancient times. However, those systems were said to lack certain attributes--"key ingredients"--Middle East Review of International Affairs, Vol. 8, No. 2 (June 2004) 75 of their modern 20th century descendants. These missing features include a millenarian ideology and highly institutionalized security and intelligence services. The earlier despotisms, written about by Karl Witfogel and others, "were lacking in those... both in scope and intensity." It was only in the twentieth century that the counterintelligence state reached fruition. Ibid.
5. Theodor W. Galdi, *Revolution in Military Affairs: Competing Concepts, Organizational Responses, Outstanding Issues* (Washington, DC: Congressional Research Service, 1995), p. 4. For an online gateway to online full-text resources about the Revolution

## NOTES

1. For recent articles by Hoffman, Gunarata, and other leadin in *Military Affairs*, information war, and

34. United States of America v. Usama Bin Ladin, et al., S(7) 98 Cr. 1023 1635, Southern District Court of New York, February 28, 2001, p. 1645.
35. Oriana Zill, "A Portrait of Wadhi El Hage, Accused Terrorist," PBS/Frontline, <<http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/binladen/upclose/elhage.html>>.
36. United States of America v. Usama Bin Ladin, et al., S(7) 98 Cr. 1023 8369, Southern District Court of New York, February 27, 2001, p. 8395.
37. Ibid., pp. 8396-8397. Defendant Khalfan Khamis Mohamed evidence #MMK28T.
38. Peter Bergen, "The Deep Sleeper," (extract from Holy War Inc.) The Weekend Australian, November 17, 2001.
39. United States of America v. Ali Mohamed, S(7) 98 Cr. 1023 1, Southern District Court of New York, October 20, 2000, pp. 11, 12.
40. Bergen, "The Deep Sleeper."
41. United States of America v. Ali Mohamed, S(7) 98 Cr. 1023 1, Southern District Court of New York, October 20, 2000, pp. 25, 26.
42. Bergen, "The Deep Sleeper."
43. United States of America v. Ali Mohamed, S(7) 98 Cr. 1023 1, Southern District Court of New York, October 20, 2000, p. 27. Tactical Deception and Strategic Surprise in Al-Qai'da's Operations Middle East Review of International Affairs, Vol. 8, No. 2 (June 2004) 77
44. United States of America v. Usama Bin Ladin, et al., S(7) 98 Cr. 1023 1635, Southern District Court of New York, February 28, 2001, p. 1676.
16. Charles Sennott, "Fighting Terror: The Investigation," Boston Globe, August 4, 2002.
17. Ibid. Richard H. Shultz, Jr. and Ruth Margolies Beitler 76 Middle East Review of International Affairs, Vol. 8, No. 2 (June 2004).
18. Counter Intelligence-Counter Espionage-Counter Terrorism (CI-CE-CT), "*Taqiyya* and *Kitman*"
19. Ibid.
20. Elizabeth Neuffer, "Hijack Suspect Lived a Life, or a Lie," Boston Globe, September 25, 2001. Available from <[http://web.archive.org/web/20010925123748/boston.com/dailyglobe2/268/nation/Hijack\\_suspect\\_lived\\_a\\_life\\_or\\_a\\_lie%2B.shtml](http://web.archive.org/web/20010925123748/boston.com/dailyglobe2/268/nation/Hijack_suspect_lived_a_life_or_a_lie%2B.shtml)>.
21. United States v. Usama bin Laden, et al., S (10) 98 Cr. 1023 (LBS), Southern District of New York, 2001, government exhibit 1677- T.
22. See Judy Aita, "Ali Mohamed: The Defendant Who Did Not Go to Trial," U.S. Department of State, International Information Programs, May 16, 2001. Text online at <<http://usinfo.state.gov/regionaliaf/security/a1051502.htm>>.
23. Alan Feuer and Benjamin Weiser, "Translation: The How-to Book of Terrorism," New York Times, April 5, 2001, p. A1.
24. David A. Wise, "Ex-Soldier Admits Role in Embassy Blasts," Washington Post, October 21, 2000, p. A18.
25. Eric Lichtblau, "Terrorists Noted Flaws In Security, Report Says," Los Angeles Times, February 1, 2002, p. A1.
26. United States v. Usama bin Laden, et al., S (10) 98 Cr. 1023 (LBS), Southern District of New York, 2001, government exhibit 1677- T.
27. Kathy Gannon, "Jihad Manual a Testament of Death," Associated Press/Tulsa World, October 2, 2001, p. A4.
28. The primary research and initial analysis of the data for this section was undertaken by Kendall Wolf, a research assistant at the Fletcher School during the 2002-2003 academic year.
29. See <<http://www.cryptome.org>> and <<http://www.cryptome2.org>>.
30. See <<http://www.cryptome.org>> and <<http://www.cryptome2.org>>.
31. See <<http://cryptome.org/usa-vmohamed.htm>>; <[http://www.legalservicesindia.com/Usama/bombings\\_trial.htm](http://www.legalservicesindia.com/Usama/bombings_trial.htm)>; <<http://www.legalservicesindia.com/Usama/fbi.htm>> and <<http://www.legalservicesindia.com/Usama/suspect.htm>>.
32. United States of America v. Usama Bin Ladin, et al., S(7) 98 Cr. 1023 1884, Southern District Court of New York, January 8, 2001, p. 1994.
33. United States of America v. Usama Bin Ladin, et al., S(7) 98 Cr. 1023 1505, Southern District Court of New York, February 27, 2001, p. 1624.